

## ریشه های افزایش افراط گرایی در افغانستان محمد اکرام اندیشمند

وزیر ارشاد، حج و اوقاف جمهوری اسلامی افغانستان آقای فیض محمد عثمانی در اظهارات دیروز (شنبه 26 جدی 1394) خویش از رشد افراط گرایی سخن گفت. او که در سمینار علمای دینی تحت عنوان "راهبردهای دینی در مبارزه با افراط گرایی" صحبت می کرد، اظهار داشت: «حجم افراط گرایی و تهدید های برخاسته از این پدیده، چند برابر افزایش یافته و باید در مبارزه با آن بازنگری و راهبرد های تازه ریخته شود.»

تلقی و دیدگاه وزیر حج و اوقاف از افزایش پدیده افراط گرایی در افغانستان یک تلقی درست و واقع گرایانه است، اما نکته مهم به دلایل و عوامل این پدیده و گسترش آن در جامعه و میان جوانان بر می گردد. چرا افراط گرایی دینی در افغانستان پس از فروپاشی امارت طالبانی سیر رو به گسترش داشته است؟ آیا مردم و به ویژه جوانان شیفته تفکر و رفتار طالبان در اداره و مدیریت جامعه شده اند؟

در حالی که افکار و ذهنیت عمومی حکایت از چنین شیفتگی و علاقه ندارد و اکثریت مردم در افغانستان طالبان را با افکار و رفتار شان حتی به عنوان افکار و رفتار اسلامی نمی پذیرند.

مسئلاً افراط گرایی دینی در شکل ستیزه جویی و تروریستی که نمونه عملی آن امروز (27 جدی 1394) در شهر جلال آباد هنگام ختم قرآن کریم در خانه عبید شینواری عضو شورای ولایتی ننگرهار انجام گرفت و طالب انتحاری خود را در میان تلاوت کنندگان قرآن منفجر کرد و چهارده نفر را بروی اوراق قرآن شریف به قتل رساند، ریشه در عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، دینی، فرهنگی، دخالت خارجی و کار سازمان های جاسوسی مختلف منطقه با اهداف و منافع مختلف دارد. اما در این جا من به دو نکته که بخشی از عوامل رشد و تشدید افراط گرایی را در افغانستان تشکیل می دهد، اشاره می کنم:

### 1- ناهماهنگی و فاصله میان مدرسه دینی و مکتب عصری:

این ناهماهنگی و فاصله شامل ابعاد مختلف می شود: از برنامه و نصاب متفاوت و متناقض درسی در مدرسه و مکتب و دانشگاه تا جایگاه اجتماعی و سیاسی منسوبین هر دو بخش مدرسه دینی و مکتب عصری در زمینه های مختلف چون: اشتغال، حقوق و بهره مندی از امکانات مختلف مادی و معنوی حیات. تاثیر این ناهماهنگی و تفاوت در تلقی و بیان دیدگاه و برداشت طرفین نیز بسیار مهم است. این تفاوت و حتی تعارض یکی از عوامل رشد افراط گرایی را در جامعه افغانستان شکل می دهد. منسوبین مدارس دینی و برخاسته از این مدارس که عمده ترین جایگاه بیان و تبلیغ یعنی مساجد و منابر مساجد را در جامعه و برای مردم در انحصار دارند، نقش بسیار اصلی را در افزایش و گسترش افراط گرایی و یا برعکس در مهار و کاهش آن ایفا می کنند. اما بنا بر ناهماهنگی و فاصله که از آن سخن

رفت، مدارس دینی و منسوبین این مدارس در مدرسه و مسجد، کم از کم اکثریت شان تلقی و قرائت افراط گرایانه از دین ارائه می کنند و موجب گسترش و تشدید افکار افراطی در جامعه و به خصوص میان جوانان می شوند. کاهش و رفع این فاصله در تمام عرصه ها به برنامه های درست و عملی دولت افغانستان و به خصوص به وزارت های معارف، تحصیلات عالی و ارشاد و حج بر می گردد. تلفیق در برنامه ها و نصاب درسی و تحصیلی مدرسه و مکتب و دانشگاه یکی از راه های کاهش این فاصله است.

## **2- بی عدالتی فزاینده اجتماعی:**

بی عدالتی رو به افزایش اجتماعی در جامعه افغانستان بر سر مشارکت در اقتدار، اشتغال، تامین حقوق مدنی و اجتماعی که از تبعیض مختلف ناشی می شود یکی از عواملی است که افراط گرایی را در میان جوانان تقویت می کند. وقتی صد ها هزار جوان دارای دانش و تحصیلات مشابه در جامعه، یک گروه کوچک همقطاران خود را بنا بر روابط خونی، قومی، قبیله ای و تعلقات دیگر برخوردار از امتیازات سیاسی و اجتماعی می بینند، از فرط عقده و سرخوردگی این بی عدالتی بسوی افراطیت و ستیزه جویی کشانده می شوند.

وقتی در افغانستان اعضای یک تنظیم و حزب جهادی و اسلامی مشاهده می کنند که وارث همه امتیازات جهاد در عرصه اقتدار و ثروت تنها فرزندان و بستگان خونی رهبران و فرماندهان انگشت شمار مجاهدین و گروه های جهادی و اسلامی هستند و نصیب آن ها از این ترکه و تقسیم تنها فقر، بیکاری، درماندگی، ناامیدی و سرخوردگی است، بسوی افراط گرایی و ستیزه جویی می روند. تا زمانیکه این بی عدالتی ظالمانه، غیر اسلامی و غیر اخلاقی در جامعه افغانستان وجود داشته باشد، افراط گرایی و خشونت گرایی عمر بیشتر و گسترش بیشتر می یابد.